

### متن پرسش

سلام علیکم: در یکی از پرسش های قبلی فرمودید که روح تاریخی زمان را فیلسوف به صحنه می آورد. پس چه شد در مدرنیته و عقل مدرن که انسان ابزارساز به قصد تغییر طبیعت و نظام عالم پرورنده شد و عقل بشر مدرن، عقل دکارت و کانت است که از رسیدن به حقیقت در موضوعات، مأیوس است و عالم انسان مدرن اکنون به اینجا رسیده است؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هر دو فیلسوف که نام بردید، در مقابل دو جریان انحرافی تاریخشان فیلسوفی کردند. دکارت در مقابل شکّ زمانه راهکار داد و انتظار داشت کلیسا او را همراهی کند و کانت در مقابل شکاکیت هیوم راهکار داد. مشکل روح‌هایی بود که به جای ادامه‌ی راه، خود را به بهانه‌ی دکارت و کانت متوقف کردند. در دکارت متوقف شدند و عملاً جهان سوخته و او بزه در غرب شکل گرفت؛ چیزی که به گفته‌ی مارتین هایدگر در هیچ ملتی در طول تاریخ سابقه نداشت و باز روح غربی، خود را به بهانه‌ی رجوع به کانت از راه انطباق مفاهیم ذهنی با واقعیات عالم منحرف کرد و به فنومن‌ها بی اندازه توجه نمود که بحث آن مفصل است و از این جهت گفته شده است کانت پدر دنیای مدرن است که تنها ساختن جهان را از او یافتند. موفق باشید